

نقد  
اقتصاد سیاسی

# زنان مهاجر افغان سخن می‌گویند

## وضعیت رفاهی زنان مهاجر افغان در ایران



چنور مکی

نقد اقتصاد سیاسی

مردادماه ۱۳۹۷

متن حاضر، تحقیقی است در مورد وضعیت رفاهی زنان مهاجر افغان در ایران. این تحقیق در بهار و تابستان ۱۳۹۵ انجام شد. اما به دلایلی انتشار آن تا به امروز (مرداد ماه ۱۳۹۷)، امکان پذیر نبود. در این تحقیق، برخی جنبه‌های وضعیت رفاهی زنان مهاجر افغان در ایران مورد بررسی قرار گرفته است. لازم به توضیح است که وضعیت رفاهی زنان افغان، جدا از وضعیت رفاهی خانواده‌هایشان نیست. البته علاوه بر شاخص‌های کلی که در مورد تمام خانوارهای مهاجران افغان صادق است، شاخص‌های دیگری مورد تحقیق قرار گرفت که در واقع مختص به زنان شرکت‌کننده در این تحقیق است. در مجموع، این شاخص‌ها مورد تحقیق و بررسی قرار گرفت: میزان درآمد ماهانه خانوار، میزان مصرف پروتئین حیوانی (گوشت، مرغ، ماهی)، میزان مصرف میوه، میزان تحصیلات، دسترسی به امکانات عمومی (سینما، تئاتر، باشگاه ورزشی، ...)، سلامت جسمی، و احساس امنیت اجتماعی.

در این تحقیق، ۹۰ زن مهاجر افغان شرکت داشتند که عمدتاً ساکن تهران (مناطق پاسگاه نعمت آباد، مولوی، خیام، پانزده خرداد)، شهریار و کوره‌پزخانه‌های محمودآباد در جنوب تهران بودند.

## مقدمه

از زمان شروع جنگ داخلی و نابسامانی‌های اجتماعی در افغانستان در دهه‌ی ۱۳۶۰ خورشیدی، ایران یکی از مقصدهای مهاجرت افغان‌ها بوده است. سه موج مهم مهاجرت‌ها، به دوران حضور نظامی شوروی در افغانستان، جنگ داخلی در افغانستان و همچنین دوره‌ی طالبان برمی‌گردد.<sup>(۱)</sup> تعداد مهاجران افغان در ایران در دوره‌های زمانی مختلف، به دلیل تغییرات در شرایط داخلی افغانستان و همچنین تغییر در سیاست‌های مهاجرپذیری کشورهای میزبان تغییر کرده است. بر اساس آمار که وزارت امور مهاجرین و عودت‌کنندگان در سال ۱۳۹۶ منتشر کرده است، در مجموع دو میلیون و چهارصد و سی هزار مهاجر افغان در ایران زندگی می‌کنند. از این تعداد، حدود یک میلیون نفر فاقد مدارک شناسایی هستند و بقیه، دارای کارت‌های اقامت طولانی‌مدت، کوتاه‌مدت، و یا در حال تمدید اقامت‌شان هستند.<sup>(۲)</sup>

در فاصله‌ی سال‌های ۱۹۷۹ تا ۱۹۹۲ میلادی، افغان‌های مقیم ایران از حقوق شهروندی چون اجازه‌ی کار و همچنین تحصیل رایگان برخوردار بودند. اما از اواسط دهه‌ی ۹۰ میلادی، دولت ایران بسیاری از این حقوق و مزایا را بازپس گرفت.<sup>(۳)</sup> به‌عنوان مثال، اقامت افغان‌ها در بعضی از شهرهای ایران ممنوع شده است. علاوه بر این، اشتغال در برخی از مشاغل برای افغان‌ها ممنوع است. همچنین کودکان مهاجر افغان، برای تحصیل در ایران با موانع بسیار زیادی روبه‌رو هستند. شهریه‌های بالای مدارس و نداشتن کارت‌های اقامت تمدیدشده، باعث شده است که بسیاری از کودکان مهاجر افغان از تحصیل محروم شوند.

در چند سال اخیر، به دنبال اجرایی شدن فاز جدیدی از سیاست‌های نولیبرالی در ایران، فشارهای اقتصادی مضاعفی به توده‌های طبقه‌ی کارگر و تهی‌دستان وارد شده است. اجرایی شدن این سیاست‌ها، در کنار گرانی و تورم افسار گسیخته، آمار

بالای بیکاری و دستمزدهای چندین برابر زیر خط فقر، زندگی میلیون‌ها انسان را به مخاطره انداخته است. سؤال این است که در این اوضاع اقتصادی و اجتماعی، شرایط زندگی مهاجران افغان و بخصوص زنان مهاجر افغان در ایران که از حقوق شهروندی هم محروم هستند، چه گونه است؟

## روش تحقیق

افراد شرکت‌کننده در این پژوهش، زنان افغان هستند که در فاصله‌ی سنی ۱۸ تا ۷۰ سال قرار دارند. به‌واسطه‌ی چند سال فعالیت در سازمان‌های دفاع از حقوق کودکان و از جمله جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان، با چندین خانواده‌ی افغان در ارتباط بودم و از طریق همین افراد، توانستم با تعداد بیش‌تری از زنان افغان ارتباط برقرار کنم. علاوه بر این، تعدادی از زنان شرکت‌کننده در این تحقیق، زنانی هستند که فرزندان آن‌ها، به‌عنوان مددجو در جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان حضور داشتند. از این طریق، توانستم با تعدادی از آنان مصاحبه کنم. علاوه بر این، با کمک یکی از دوستان که مدتی در کوره‌پزخانه‌های اطراف تهران به‌عنوان مددکار اجتماعی فعالیت کرده بود، امکان مصاحبه با تعدادی از زنان افغان ساکن در کوره‌پزخانه‌های واقع در محمودآباد در جنوب تهران فراهم شد. در واقع، برای جمع‌آوری داده‌های این تحقیق از تمام نمونه‌های در دسترس استفاده کرده‌ام.

در این تحقیق، تلاش کرده‌ام وضعیت رفاهی زنان مهاجر افغان در ایران را بررسی کنم. پژوهشگران علوم اجتماعی برای بررسی رفاه اجتماعی، از شاخص‌های مختلفی استفاده می‌کنند. در این تحقیق، شاخص‌هایی که مورد بررسی قرار گرفته‌اند، عبارتند از: میزان درآمد ماهانه‌ی خانوار، میزان مصرف ماهانه‌ی پروتئین حیوانی (گوشت قرمز، مرغ، و ماهی)، میزان مصرف ماهانه‌ی میوه، میزان تحصیلات، میزان دسترسی به امکانات عمومی (سینما، تئاتر، باشگاه ورزشی،...)، دسترسی به خدمات بهداشتی، و احساس امنیت اجتماعی.

در این متن، سعی کرده‌ام، تصویری واضح و عینی از وضعیت زندگی زنان مهاجر افغان در ایران ارائه بدهم. در واقع هدف از انجام این تحقیق، تولید مقاله‌ی علمی برای بایگانی در سایت‌های آکادمیک و یا قفسه‌های کتابخانه‌ی دانشگاه‌ها نیست. بلکه هدف این است که فعالان اجتماعی و پیشروان طبقه کارگر، درک درستی از وضعیت زندگی مهاجران افغان در ایران و به‌خصوص زنان مهاجر افغان، به‌عنوان بخشی از طبقه‌ی کارگر و فرودستان در جغرافیای ایران پیدا کنند.

در پیوست مقاله، جدولی تفصیلی ارائه می‌شود. مطالعه‌ی دقیق این جدول از اهمیت زیادی برخوردار است چرا که هر سطر آن، زاویه‌هایی از زندگی افغان‌های ساکن ایران و به‌خصوص زنان مهاجر افغان را نشان می‌دهد. در واقع، هر ردیف از این جدول‌ها، داستان زندگی یک خانوار افغان را روایت می‌کند.

## تحلیل داده‌ها

در این قسمت سعی خواهیم کرد که هر کدام از شاخص‌های رفاه اجتماعی را به صورت جداگانه، بررسی کنیم. داده‌های مربوط به بعضی از این شاخص‌ها، در جدول پیوست موجود است. داده‌های مربوط به بقیه‌ی شاخص‌ها، بدون ارائه‌ی جدول، به صورت مختصر تحلیل خواهد شد.

**میزان درآمد خانوار:** یکی از مهم‌ترین شاخص‌های رفاه اجتماعی که تمامی شاخص‌های دیگر را هم تحت تأثیر خود قرار می‌دهد، میزان درآمد خانوار است. داده‌های مربوط به میزان درآمد خانوارهای افغان در جدول پایانی موجود است. در کنار میزان درآمد خانوار، به منبع درآمد خانوار تحت عنوان تعداد افراد شاغل در خانوار اشاره شده است. اگر بخواهیم از درآمد ماهانه‌ی افراد شرکت‌کننده در این تحقیق میانگین بگیریم، این میانگین تقریباً برابر خواهد بود با ۶۹۷ هزار تومان. چند نکته را در مورد این میانگین درآمد باید مطرح کنیم.

نکته‌ی اول: در سال ۱۳۹۵ حداقل دستمزد کارگران، تقریباً ۸۱۲ هزار تومان تعیین شده است.<sup>(۴)</sup> یعنی میانگین درآمد خانوارهای افغان در زمان این تحقیق، تقریباً ۱۴,۴ درصد از حداقل دستمزد کارگران در سال ۱۳۹۵ کم‌تر بوده است. لازم است یادآوری کنیم که بر اساس نظر کارشناسان اقتصادی و همچنین بیانیه‌ی تشکل‌های مستقل کارگری که در اسفند ماه ۱۳۹۴ منتشر شد، در آن سال خط فقر ۳ میلیون و پانصد هزار تومان عنوان شده بود.<sup>(۵)</sup> در نتیجه هم حداقل دستمزدی که برای کارگران در سال ۱۳۹۵ تعیین شده و هم میانگین دستمزد ماهانه‌ی خانوارهای افغان در سال ۱۳۹۵، چندین برابر زیر خط فقر است و به هیچ عنوان، پاسخ‌گوی نیازهای یک زندگی انسانی و متعارف نیست.

نکته‌ی دوم: در زمینه‌ی میانگین درآمد ماهانه‌ی خانوارهای افغان، یک نکته مهم دیگر این است که همان‌طور که در مقدمه اشاره کردم، این تحقیق در بهار و تابستان ۱۳۹۵ انجام شده است. همان‌طور که در جدول مشاهده می‌شود، افراد شاغل در اکثر خانوارهای افغان، یا کارگر فصلی یا کارگر کوره‌های آجرپزی هستند. در واقع در فصل زمستان که کوره‌های آجرپزی تعطیل هستند و یا بیش‌تر کارهای فصلی تعطیل است، این افراد بیکار می‌شوند. یعنی در واقع، بهترین زمان اشتغال برای این افراد، همان فصل بهار و تابستان است. پس در فصل پاییز و زمستان، همان میانگین درآمد که در سطور بالا به آن اشاره شد، عملاً برای خانوارهای مهاجر افغان وجود ندارد. این خانوارها، ناچارند از درآمد خود در فصل‌های بهار و تابستان، مقداری هم برای ماه‌های بیکاری در پاییز و زمستان پس‌انداز کنند. می‌توان گفت که اگر همین تحقیق را در فصل پاییز و زمستان انجام می‌دادم، آمار بیکاری به طرز چشمگیری بالاتر می‌رفت. گفتنی است که در زمان انجام این تحقیق، چهار خانوار به طور کامل بیکار بودند. و بنا به گفته‌ی خودشان، با کمک‌های گاه‌گاهی خیریه‌ها، زندگی را می‌گذراندند.

نکته‌ی سوم: مسئله‌ی دیگر این است که اگر خواننده به دقت جدول‌ها را مطالعه کند، متوجه‌ی درجه بالای استثمار کارگران افغان در ایران می‌شود. به عنوان مثال در ردیف ۷۳ مشاهده می‌شود که درآمد ماهانه یک خانوار ۷ نفری، به نسبت سایر خانوارها، به میزان زیادی بالاترست. این خانوار ۷ نفری، ماهانه ۳ میلیون تومان درآمد دارند. اما این ۳ میلیون تومان،

حاصل کار تمام اعضای خانوار است. در واقع، هر ۷ عضو این خانوار همگی کارگر و یا فروشنده هستند، و در مجموع درآمد ماهانه‌ی آن‌ها ۳ میلیون تومان است. یعنی اگر ۳ میلیون تومان را بر این ۷ نفر تقسیم کنیم، می‌توان گفت دستمزد هر کدام از آن‌ها، به‌طور متوسط چیزی حدود ۴۲۹ هزار تومان خواهد بود. و یا در ردیف ۶۲، اطلاعات مربوط به یک خانوار ۶ نفری وجود دارد که درآمد ماهانه‌ی آن‌ها، تنها یک میلیون و سیصد هزار تومان است. اما این مبلغ، حاصل کار ماهانه‌ی تمامی افراد خانوار در کورهی آجرپزی است. همچنین در ردیف ۵، داده‌های مربوط به یک خانوار ۸ نفره وجود دارد که درآمد ماهانه‌ی آن‌ها، ۵۰۰ هزار تومان است که حاصل کار تمام‌وقت دو کودک زیر ۱۸ سال است.

نکته‌ی چهارم: بسیار اتفاق می‌افتد که همان اندک دستمزد کارگران افغان را نیز کارفرماها تاراج می‌کنند و این کارگران به دلیل نداشتن کارت اقامت تمدیدشده و در نتیجه ترس از دیپورت شدن به افغانستان، جرأت اعتراض ندارند. به‌عنوان مثال یکی از زنان افغان که قبلاً کارش نظافت خانه‌ها بود، می‌گفت که به‌دفعات اتفاق افتاده است که بعد از نظافت خانه‌های مردم، صاحب‌خانه گفته است «شما افغانی هستید و وظیفه دارید برای ما کار کنید.» و در نهایت دستمزد او را پرداخت نکرده است. با توجه به نکاتی که در بالا به آن اشاره کردم، می‌توان گفت که عددی که تحت عنوان میانگین درآمد ماهانه‌ی این خانوارهای افغان به دست می‌آید (۶۹۷ هزار تومان)، به هیچ عنوان نمی‌تواند بیانگر شرایط واقعی زندگی این خانوارهای افغان و میزان استثمار آنان باشد. پایین بودن دستمزدها و نداشتن شغل دائمی، تمام جنبه‌های زندگی این خانوارها را تحت تأثیر قرار داده است؛ بالا بودن آمار کودکان کار در میان خانوارهای مهاجر افغان در ایران، خود تأییدی است بر درآمد بسیار پایین این خانوارها. کودکان مهاجر افغان برای تأمین نیازهای اقتصادی خانوار، مجبور می‌شوند از سن پایین، و با دستمزدهای به‌مراتب پایین‌تر از بقیه‌ی کارگران کار کنند. و در نهایت، در محیط‌های کار، در معرض انواع آسیب‌های اجتماعی قرار می‌گیرند.

**وضعیت اشتغال:** تنها ۲۲،۲ درصد از زنان مهاجر افغان در این تحقیق، به‌نوعی شاغل بودند و در تأمین اقتصاد خانوار نقش داشتند که اکثر این زنان شاغل، همراه با خانوارهای خود در کورهای آجرپزی به خشت‌زنی مشغول بودند. کارگر خیاطی، کارگر کارگاه جوراب‌بافی، کارگر نظافت خانگی، کارگر بسته‌بندی کردن میوه، و همچنین فروشندگی از جمله شغل‌هایی است که زنان مهاجر افغان در این پژوهش، به آن‌ها مشغول هستند.

در جدول‌ها، همچنین مدت اقامت در ایران برحسب سال یا ماه آمده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود، مدت زمان اقامت زنان مهاجر افغان در ایران بر روی امکان اشتغال آن‌ها و یا درآمد خانوار آن‌ها تأثیری ندارد. به‌عنوان مثال در یک مورد، یک زن افغان با سابقه‌ی اقامت ۴۲ ساله در ایران، خود بیکار است و پسرش هم کارگر فصلی با درآمد ۶۰۰ هزار تومان در ماه است. همچنین در یک مورد دیگر، یک زن افغان که به مدت ۳ ماه ساکن ایران بوده است، بیکار است و همسرش که کارگر ساختمان است، در ماه ۶۰۰ هزار تومان درآمد دارد.

**میزان مصرف پروتئین:** یکی از شاخص‌های رفاه اجتماعی در این تحقیق، میزان مصرف پروتئین حیوانی (گوشت، مرغ و ماهی) است. اگر از میزان مصرف ماهانه‌ی پروتئین در خانوارهای شرکت‌کننده در تحقیق، میانگین بگیریم عدد به دست آمده ۲,۴۴ وعده خواهد بود. یعنی کم‌تر از عدد سه. یعنی به صورت میانگین، این خانوارها در ماه کم‌تر از سه وعده پروتئین مصرف می‌کردند. همان‌طور که در جدول و در ستون مربوط به میزان مصرف پروتئین می‌توان مشاهده کرد، در زمان انجام این پژوهش، هفت خانوار در ماه هیچ نوع پروتئین حیوانی مصرف نمی‌کردند و دوازده خانوار در ماه تنها یک بار پروتئین مصرف می‌کردند. برخی از این زنان عنوان کرده‌اند که همان یکی دو بار مصرف پروتئین در ماه، از طریق کمک‌های خیریه‌ها و غذاهای نذری تأمین می‌شود.

**میزان مصرف میوه:** میانگین مصرف ماهانه‌ی میوه در میان خانوارهای مورد بررسی، تقریباً سه وعده در ماه است. مصرف میوه در دوازده خانوار، در زمان انجام این تحقیق، صفر بود. در میان این خانوارها، یک خانوار هم بود که تنها در زمان داشتن مهمان، میوه می‌خوردند. در واقع، میزان مصرف ماهانه‌ی میوه در این خانوارها، به صورت بحرانی پایین است.

**دسترسی به امکانات عمومی:** منظور از امکانات عمومی در این تحقیق، سینما، تئاتر، باشگاه‌های ورزشی، موزه، و پارک است. تنها حدود ۴,۴ درصد از این زنان، به امکاناتی چون سینما، تئاتر، باشگاه‌های ورزشی و موزه دسترسی دارند. بقیه یعنی ۹۵,۶ درصد زنان مهاجر افغان، تنها امکان استفاده از پارک را دارند. این در حالی است که در چند سال اخیر شاهد بوده‌ایم که از ورود افغان‌ها به بعضی از پارک‌ها در شهرهای مختلف ایران، جلوگیری شده است. در واقع، همین حداقل استفاده از پارک، از بسیاری از افغان‌ها در ایران دریغ شده است.

**میزان تحصیلات:** در میان زنان مهاجر افغان که در این تحقیق شرکت کردند، ۵۶,۷ درصد کاملاً بی‌سواد بودند. ۳۰ درصد در حد ابتدایی (و گاه فقط در حد خواندن و نوشتن) سواد داشتند. میزان سواد حدود ۷,۸ درصد از این زنان، معادل سواد دوران راهنمایی است. تنها حدود ۵,۵ درصد از زنان افغان در این تحقیق سواد دانشگاهی داشتند.

۳۰ درصدی که سواد آنان در حد ابتدایی بود، از طریق کلاس‌های سوادآموزی در سازمان‌های مردم‌نهاد (ان.جی. اوها) توانسته بودند سواد خواندن و نوشتن کسب کنند.

**وضعیت سلامت:** وضعیت سلامت و دسترسی به امکانات بهداشتی به‌عنوان یکی دیگر از شاخص‌های رفاه مورد بررسی قرار گرفت. حدود ۴۱ درصد از زنان افغان در این تحقیق، به بیماری‌های مختلف مبتلا بودند که امکان استفاده از خدمات بهداشتی

و درمانی را نداشتند. بالا بودن هزینه‌های درمان، و نداشتن بیمه‌ی درمانی از دلایل عدم‌مراجعه‌ی این زنان به مراکز بهداشتی و درمانی بود. این زنان افغان به بیماری‌های مختلفی مبتلا بودند از جمله بیماری‌های سیستم گوارشی، بیماری‌های اعصاب و روان، بیماری‌های ستون فقرات، بیماری‌های کلیوی، بیماری‌های پوستی، بیماری‌های عفونی و... حتی در میان این زنان افغان، زنانی بودند که سابقه‌ی بیماری‌های قلبی از جمله سکته‌ی قلبی داشتند اما امکان مراجعه به مراکز درمانی را نداشتند.

**مسکن:** وضعیت مسکن افغان‌های ساکن در کوره‌پزخانه‌های جنوب تهران بسیار بحرانی است. در نزدیکی کوره‌های آجرپزی، اتاق‌هایی ساخته شده که توسط صاحب این کوره‌ها یا «ارباب کوره»، در اختیار کارگرانی قرار داده می‌شود که قرار است در کوره‌های آجرپزی کار کنند. اکثر افراد ساکن در این خانه‌ها، کارگران مهاجر افغان هستند. در این خانه‌های نزدیک به کوره‌های آجر پزی، معمولاً افراد هر خانوار در یک اتاق دوازده متری زندگی می‌کنند و یک آشپزخانه‌ی مشترک با همسایه‌ی خود دارند. گاهی که تعداد اعضای خانوار زیاد است، دو اتاق دوازده متری در اختیار خانوار قرار می‌گیرد. معمولاً چند خانوار افغان (گاه تا بیست خانوار)، یک حمام و توالت مشترک دارند که از استانداردهای بهداشتی برخوردار نیست. و این عامل باعث بروز و گسترش بیماری‌های مختلف عفونی در میان ساکنان این خانه‌ها می‌شود. در دوره‌هایی که کار آجرپزی در کوره‌ها تعطیل است، صاحب کوره‌ها از این خانوارها، اجاره‌ی این اتاق‌ها را دریافت می‌کند. مبلغ اجاره‌ی این اتاق‌ها، کاملاً به نظر موجر بستگی دارد. به‌عنوان مثال بعضی از خانوارها، در ماه حدود ۸۰ هزار تومان به‌عنوان اجاره‌ی این اتاق‌ها پرداخت می‌کنند. بعضی دیگر از این خانوارها، به جای اجاره، مبلغی به‌عنوان بیعانه یا پول پیش پرداخت کرده‌اند که مبلغ آن از ۵ میلیون تومان تا ۲۵ میلیون تومان متغیر است. برخی هم علاوه بر پول بیعانه‌ای که پرداخت کرده‌ند ماهانه مبلغی در حدود ۲۰ هزار تومان، به‌عنوان اجاره‌ی این اتاق‌ها پرداخت می‌کنند. مسئله‌ی دیگری که این‌جا مطرح است این است که این کوره‌های آجرپزی در بیابان‌های جنوب تهران و در مسیر جاده‌ی ورامین قرار گرفته‌اند و به دلیل بالا بودن گرد و خاک در این مناطق و همچنین نزدیک بودن برخی از مراکز انباشت زباله، ساکنان این کوره‌پزخانه‌ها در معرض انواع بیماری‌های پوستی و عفونی قرار می‌گیرند.

آن دسته از مهاجران افغان که در داخل شهر تهران و یا شهر شهریار سکونت داشتند، محل سکونت‌شان در مقایسه با محل سکونت مهاجران افغان در کوره‌های آجرپزی، از شرایط مناسب تری برخوردار بود. اما اجاره‌ی ماهانه‌ی این خانه‌ها، در مقایسه با درآمد این خانوارها بالا بود و گاهی تا ۴۰۰ هزار تومان هم می‌رسید.

**احساس امنیت اجتماعی:** تقریباً ۵۱ درصد از زنان افغان مورد پژوهش، احساس امنیت اجتماعی نداشتند. این احساس عدم امنیت از دو عامل ناشی می‌شد. یک دلیل اصلی آن، به گفته‌ی خود این زنان، این بود که به دلیل افغان بودن، مورد تحقیر و خشونت کلامی قرار گرفته‌اند؛ هم در کوچه و خیابان و هم از طرف همسایه‌ها و صاحب‌خانه. یک دلیل دیگر که توسط زنان ساکن در کوره‌پزخانه‌ها مطرح شد این بود که شب‌ها، برای رفتن به توالت و حمام، احساس امنیت ندارند و حتماً باید یک نفر را به‌عنوان همراه با خود ببرند؛ حمام و توالت‌های مشترک، کمی از اتاق‌های آن‌ها فاصله دارد و در تاریکی شب، این زنان احساس امنیت ندارند که به‌تنهایی از حمام و توالت استفاده کنند.

یک نکته‌ی دیگر در مورد احساس امنیت اجتماعی این بود که چهار نفر از زنانی که احساس امنیت اجتماعی داشتند در توضیح این احساس امنیت، عنوان کردند که «ما به‌ندرت از خانه خارج می‌شویم و مشکلی نداریم.» در واقع این احساس امنیت، ناشی از محرومیت آنان از زندگی اجتماعی و به حاشیه رانده شدن آنان است.

## نتیجه‌گیری

در مورد میزان تعمیم‌پذیری نتایج این تحقیق در مورد دیگر مهاجران افغان در ایران، باید به دو نکته اشاره کرد. نکته‌ی اول این که قطعاً شرایط فرهنگی و اجتماعی در شهرهای مختلف ایران، می‌تواند متفاوت از نمونه‌ی موردبررسی باشد و این مسئله به‌نوبه‌ی خود می‌تواند بر روی رفاه فرهنگی و اجتماعی افغان‌ها در شهرهای مختلف تاثیرگذار باشد. اما نکته‌ی دوم و مهم‌تر آن که تاجایی که به وضعیت اقتصادی اکثریت مهاجران افغان مربوط است، می‌توان گفت نتایج این تحقیق قابلیت تعمیم به بخش زیادی از مهاجران افغان در ایران را دارد.

واقعیت این است که کارگران مهاجر افغان، و به‌خصوص زنان مهاجر افغان، به‌عنوان بخشی از طبقه‌ی کارگر و زحمتکش در جغرافیای ایران، تحت استثماری چندگانه هستند و در شرایطی به‌شدت غیرانسانی زندگی می‌کنند. دستمزدهای چندین



برابر زیر خط فقر، بیکاری، تغذیه‌ی نامناسب، عدم دسترسی به خدمات بهداشتی و درمانی، عدم دسترسی به خدمات آموزشی، نداشتن مسکن مناسب، عدم دسترسی به امکانات عمومی و تفریحی از جمله مشکلات اصلی مهاجران افغان در ایران است. در کنار این مسائل، برخوردهای نژادپرستانه با افغان‌ها، توهین‌ها و تحقیرها، شرایط زندگی آنان را دشوارتر کرده است و فرصت‌های یک زندگی انسانی را از آنان سلب کرده است. مهاجران افغان در ایران، به بهانه‌های کاذب «غیرقانونی بودن» از بسیاری از حقوق شهروندی محروم می‌شوند و در همان حال، به‌عنوان نیروی کار ارزان، در بخش‌های اقتصادی مختلف، و حتی در شرکت‌ها و مؤسسات عمومی، از جمله در شهرداری‌ها مورد استثمار قرار می‌گیرند. با وجود شرایط دشوار زندگی مهاجران افغان در ایران، بسیاری از آنان همچنان ترجیح می‌دهند که در ایران زندگی کنند چرا که در نتیجه‌ی حضور نظامی دولت‌های غربی و همچنین بنیادگرایان اسلامی، افغانستان به یکی از ناامن‌ترین کشورها برای زندگی، به‌خصوص برای زنان، تبدیل شده است.

تغییر شرایط اقتصادی و اجتماعی زندگی مهاجران افغان در ایران و دستیابی آنان به یک شرایط انسانی، در گرو مبارزه با مناسبات نابرابر سیستم سرمایه‌داری و انواع تبعیض‌های قومی، نژادی و ملی است. «مهاجر بودن» و یا «غیرقانونی بودن»، امکان استثمار هرچه بیشتر مهاجران را برای کارفرمایان و همچنین دولت، به‌عنوان بزرگ‌ترین کارفرما فراهم می‌کند. پس برای بهبود وضعیت مهاجران افغان باید ریشه‌های این استثمار و نابرابری در مناسبات سرمایه‌داری و نیز تبعیض‌های قومی، ملی و نژادی را نشانه گرفت. همچنین از رهگذر این مبارزات ضد سرمایه‌داری و ضد قوم‌گرایی و نژادپرستی است که نگرش عمومی جامعه نسبت به مقوله‌ی مهاجر تغییر خواهد کرد و خواهیم توانست حق شهروندی برای مهاجران افغان را به دولت‌ها تحمیل کنیم.

نکته‌ی آخر این که، در بیش‌تر تحلیل‌ها و گزارش‌ها از وضعیت افغان‌های مهاجر در ایران، از این بخش از طبقه‌ی کارگر، تنها به‌عنوان یک قشر محروم و تهی‌دست یاد شده و قدرت و پتانسیل دخالته‌گری و مشارکت آنان در مبارزه‌ی طبقاتی و اجتماعی نادیده گرفته شده است. لازم است که احزاب سیاسی، سازمان‌ها و تشکل‌های کارگری موجود، در رویکرد خود نسبت به این بخش از طبقه‌ی کارگر بازبینی کنند و در راستای متشکل کردن این بخش از طبقه‌ی کارگر تلاش کنند. به یاد داشته باشیم که مبارزه برای تغییر وضع موجود، بدون اتحاد و مبارزه‌ی تمامی توده‌های تحت استثمار امکان‌پذیر نیست.

## منابع

1. Rostami-Povey, E. (2007) *Afghan women: Identity and invasion*. Zed Books. p.80

۲. وزارت امور مهاجرین و عودت‌کنندگان جمهوری اسلامی افغانستان

[/http://morr.gov.af/fa](http://morr.gov.af/fa)

3. Rostami-Povey, E. (2007). P.81

۴. خبرگزاری کار ایران، ایلنا: دستمزد سال ۹۵ کارگران ۱۴ درصد افزایش یافت.

۵. بیانیه‌ی تشکلهای کارگری در رابطه با دستمزد سال ۹۵

بیوست: جدول تفصیلی نتایج مصاحبه با زنان مهاجر افغان

میزان مصرف میوه	میزان مصرف پروتئین حیوانی	تعداد اعضای خانوار	تعداد افراد شاغل در خانوار	میزان درآمد ماهانه خانوار	سال‌های اقامت در ایران	سن	مصاحبه‌شونده
۳ وعده در ماه	۴ وعده در ماه	۳ نفر	همسر: شیشه‌بر کارخانه	یک میلیون تومان	۱۲ سال	۳۵	۱
۴ وعده در ماه	۳ وعده در ماه	۵ نفر	همسر: کمک آشپز	۸۰۰ هزار تومان	۱۰ سال	۴۵	۲
۳ وعده در ماه	۴ وعده در ماه	۴ نفر	همسر: کارگر کارواش	۵۰۰ هزار تومان	۵ سال	۳۲	۳
۶ وعده در ماه	۴ وعده در ماه	۵ نفر	همسر: بنا	یک میلیون تومان	۲ سال	۱۹	۴
۴ وعده در ماه	۳ وعده در ماه	۸ نفر	دو کودک کار	۵۰۰ هزار تومان	۲۵ سال	۵۵	۵
۴ وعده در ماه	۲ وعده در ماه	۴ نفر	همسر: کارگر پارک	۵۰۰ هزار تومان	۱۴ سال	۳۶	۶
۶ وعده در ماه	۲ وعده در ماه	۸ نفر	همسر و فرزندان : خشت‌زنی	یک میلیون و دویست هزار تومان	۱۵ سال	۴۷	۷
۴ وعده در ماه	۳ وعده در ماه	۶ نفر	زن و شوهر: خشت‌زنی	۷۰۰ هزار تومان	۳۱ سال	۳۷	۸
۳ وعده در ماه	۲ وعده در ماه	۸ نفر	زن و شوهر: خشت‌زنی	۸۰۰ هزار تومان	۱۳ سال	۳۶	۹
۴ وعده در ماه	۱ وعده در ماه	۵ نفر	خشت‌زنی	۴۰۰ هزار تومان	۱۶ سال		۱۰

میزان مصرف میوه	میزان مصرف پروتئین حیوانی	تعداد اعضای خانوار	تعداد افراد شاغل در خانوار	میزان درآمد ماهانه خانوار	سال‌های اقامت در ایران	سن	مصاحبه‌شونده
				تومان		۴۰	
۱ وعده در ماه	۲ وعده در ماه	۷ نفر	زن و شوهر: خشت‌زنی	۸۰۰ هزار تومان	۱۰ سال	۳۰	۱۱
۴ وعده در ماه	۴ وعده در ماه	۸ نفر	شوهر و دو تن از فرزندان: خشت‌زنی	یک میلیون تومان	۷ سال	۳۵	۱۲
۴ وعده در ماه	۳ وعده در ماه	۶ نفر	زن و شوهر: خشت‌زنی	یک میلیون و صد هزار تومان	۷ سال	۳۳	۱۳
۴ وعده در ماه	۲ وعده در ماه	۶ نفر	همسر: کارگر کوره	۸۰۰ هزار تومان	۷ سال	۳۲	۱۴
۴ وعده در ماه	۴ وعده در ماه	۵ نفر	همسر: کارگر ساختمان	۸۰۰ هزار تومان	۵ ماه	۲۲	۱۵
۴ وعده در ماه	۱ وعده در ماه	۴ نفر	زن و شوهر: خشت‌زنی	یک میلیون تومان	۳۰ سال	۴۰	۱۶
۲ وعده در ماه	۱ وعده در ماه	۵ نفر	همسر: کارگر	۵۰۰ هزار تومان	۲۰ سال	۴۲	۱۷
۳ وعده در ماه	۲ وعده در ماه	۷ نفر	پدر: کارگر	۴۵۰ هزار تومان	۲۰ سال	۱۸	۱۸
۴ وعده در ماه	۲ وعده در ماه	۶ نفر	همسر و دو پسر: کارگر کوره	یک میلیون تومان	۱۲ سال	۴۶	۱۹
۶ وعده در ماه	۱ وعده در ماه	۵ نفر	همسر: کارگر	۴۰۰ هزار تومان	۱۶ سال	۴۰	۲۰

میزان مصرف میوه	میزان مصرف پروتئین حیوانی	تعداد اعضای خانوار	تعداد افراد شاغل در خانوار	میزان درآمد ماهانه‌ی خانوار	سال‌های اقامت در ایران	سن	مصاحبه‌شونده
			کارخانه	تومان			
میوه نمی‌خورند	۱ وعده در ماه	۹ نفر	پسر: کارگر فصلی	هزار ۶۰۰ تومان	۴۲ سال	۷۰	۲۱
میوه نمی‌خورند	۲ وعده در ماه	۳ نفر	زن و شوهر: کارگر (نظافت خانه‌ها)	هزار ۲۰۰ تومان	۳۰ سال	۵۵	۲۲
۲ وعده در ماه	گوشت نمی‌خورند	۶ نفر	همسر: کارگر کوره	هزار ۴۵۰ تومان	۱۰ سال	۳۵	۲۳
۳ وعده در ماه	۲ وعده در ماه	۷ نفر	برادر: خشت‌زنی	هزار ۸۰۰ تومان	۱۰ سال	۲۰	۲۴
میوه نمی‌خورند	۳ وعده در ماه	۳ نفر	همسر: کارگر ساختمان	هزار ۶۰۰ تومان	۳ ماه	۲۰	۲۵
۴ وعده در ماه	۲ وعده در ماه	۶ نفر	همسر: کارگر ساختمان	هزار ۹۰۰ تومان	۵ سال	۳۰	۲۶
۲ وعده در ماه	۳ وعده در ماه	۶ نفر	همسر: کارگر ساختمان	هزار ۷۰۰ تومان	۲۰ سال	۲۹	۲۷
دو وعده در ماه	۲ وعده در ماه	۷ نفر	همسر: کارگر	هزار ۶۰۰ تومان	۱۵ سال	۴۵	۲۸
۱ وعده در ماه	۳ وعده در ماه	۵ نفر	همسر: کارگر فصلی	هزار ۷۰۰ تومان	۱۸ سال	۲۷	۲۹
۱ وعده در ماه	۲ وعده در ماه	۹ نفر	همسر: کارگر	هزار ۶۰۰ تومان	۳۰ سال		۳۰

میزان مصرف میوه	میزان مصرف پروتئین حیوانی	تعداد اعضای خانوار	تعداد افراد شاغل در خانوار	میزان درآمد ماهانه‌ی خانوار	سال‌های اقامت در ایران	سن	مصاحبه‌شونده
			ساختمان	تومان		۴۴	
میوه نمی‌خورند	گوشت نمی‌خورند	۴ نفر	تمام اعضا خانوار: بیکار	•	۷ سال	۳۷	۳۱
۳ وعده در ماه	۲ وعده در ماه	۴ نفر	همسر: کارگر ساختمان	۷۰۰ هزار تومان	۲ سال	۲۲	۳۲
میوه نمی‌خورد	۲ وعده در ماه	۱ نفر	خشت‌زنی	۲۵۰ هزار تومان	۲۵ سال	۶۰	۳۳
۴ وعده در ماه	۶ وعده در ماه	۲ نفر	همسر: کارگر	۸۰۰ هزار تومان	۳ ماه	۲۴	۳۴
۴ وعده در ماه	۵ وعده در ماه	۵ نفر	همسر: کارگر	۷۰۰ هزار تومان	۷ سال	۳۰	۳۵
۳ وعده در ماه	۲ وعده در ماه	۷ نفر	همسر: کارگر فصلی	۵۰۰ هزار تومان	۱۰ سال	۴۶	۳۶
۳ وعده در ماه	۲ وعده در ماه	۵ نفر	همسر: کارگر ساختمان	۶۰۰ هزار تومان	۱۵ سال	۳۸	۳۷
۲ وعده در ماه	۲ وعده در ماه	۳ نفر	همسر: خشت‌زنی	۵۰۰ هزار تومان	۲۰ سال	۲۹	۳۸
۱ وعده در ماه	۲ وعده در ماه	۶ نفر	۲ کودک کار	۶۰۰ هزار تومان	۱۵ سال	۴۳	۳۹
۲ وعده در ماه	۱ وعده در ماه	۵ نفر	همسر: کارگر ساختمان	۵۰۰ هزار تومان	۸ سال	۳۰	۴۰

میزان مصرف میوه	میزان مصرف پروتئین حیوانی	تعداد اعضای خانوار	تعداد افراد شاغل در خانوار	میزان درآمد ماهانه خانوار	سال‌های اقامت در ایران	سن	مصاحبه‌شونده
میوه نمی‌خورند	۲ وعده در ماه	۶ نفر	زن و شوهر: خشت‌زنی	۷۰۰ هزار تومان	۲۰ سال	۵۵	۴۱
۱ وعده در ماه	۱ وعده در ماه	۴ نفر	همسر: کارگر ساختمان	۵۰۰ هزار تومان	۱۶ سال	۴۷	۴۲
۲ وعده در ماه	۳ وعده در ماه	۸ نفر	همسر و پسر: کارگر	۸۰۰ هزار تومان	۱۲ سال	۴۹	۴۳
۴ وعده در ماه	۳ وعده در ماه	۴ نفر	همسر: بنا	۷۰۰ هزار تومان	۴ سال	۲۶	۴۴
۲ وعده در ماه	۱ وعده در ماه	۵ نفر	همسر: کارگر فصلی	۴۰۰ هزار تومان	۲۰ سال	۵۴	۴۵
۳ وعده در ماه	۲ وعده در ماه	۶ نفر	پدر: کارگر برادر: دستفروش	۷۰۰ هزار تومان	۵ سال	۲۰	۴۶
۴ وعده در ماه	۳ وعده در ماه	۷ نفر	همسر: کارگر دو کودک کارگر	۹۰۰ هزار تومان	۲۰ سال	۴۶	۴۷
۴ وعده در ماه	۲ وعده در ماه	۶ نفر	زن و شوهر: خشت‌زنی	۷۰۰ هزار تومان	۳۰ سال	۵۳	۴۸
۲ وعده در ماه	۲ وعده در ماه	۵ نفر	همسر: کارگر ساختمان	۵۰۰ هزار تومان	۱۰ سال	۳۹	۴۹
۵ وعده در ماه	۳ وعده در ماه	۳ نفر	همسر: کارگر ساختمان	۶۰۰ هزار تومان	۴ سال	۲۱	۵۰
۲ وعده در ماه	۴ وعده در ماه	۶ نفر	همسر: بنا	۸۰۰ هزار تومان	۲۰ سال		۵۱

میزان مصرف میوه	میزان مصرف پروتئین حیوانی	تعداد اعضای خانوار	تعداد افراد شاغل در خانوار	میزان درآمد ماهانه خانوار	سال‌های اقامت در ایران	سن	مصاحبه‌شونده
						۴۲	
میوه نمی‌خورند	گوشت نمی‌خورند	۵ نفر	تمام اعضای خانوار : بیکار	•	۱۰ سال	۵۱	۵۲
۵ وعده در ماه	۳ وعده در ماه	۴ نفر	شوهر: کارگر فصلی زن: نظافت خانگی	۹۰ هزار تومان	۸ سال	۳۳	۵۳
میوه نمی‌خورند	۴ وعده در ماه	۳ نفر	همسر: کارگر پارک	۵۰ هزار تومان	۶ سال	۲۹	۵۴
۳ وعده در ماه	۳ وعده در ماه	۳ نفر	همسر: خشت‌زنی	۵۰۰ هزار تومان	۶ ماه	۲۳	۵۵
۴ وعده در ماه	۵ وعده در ماه	۶ نفر	همسر و یک پسر: کارگر	یک میلیون تومان	۱۳ سال	۵۳	۵۶
۴ وعده در ماه	۴ وعده در ماه	۵ نفر	همسر: کارگر ساختمان	۸۰۰ هزار تومان	۱۱ سال	۳۱	۵۷
میوه نمی‌خورند	گوشت نمی‌خورند	۴ نفر	تمام اعضای خانوار: بیکار	-	۱۸ سال	۴۳	۵۸
هر وقت مهمان بیاید	۲ وعده در ماه	۵ نفر	دو کودک کارگر	۴۵۰ هزار تومان	۱۰ سال	۳۸	۵۹
۶ وعده در ماه	۴ وعده در ماه	۲ نفر	همسر: کارگر ساختمان	۶۰۰ هزار تومان	۵ سال	۲۰	۶۰



میزان مصرف میوه	میزان مصرف پروتئین حیوانی	تعداد اعضای خانوار	تعداد افراد شاغل در خانوار	میزان درآمد ماهانه خانوار	سال‌های اقامت در ایران	سن	مصاحبه‌شونده
۶ وعده در ماه	۴ وعده در ماه	۵ نفر	همسر: خشت‌زنی کودک دستفروشی	۹۰۰ هزار تومان	۱۷ سال	۳۶	۶۱
۵ وعده در ماه	۵ وعده در ماه	۶ نفر	تمام اعضای خانوار: خشت‌زنی	یک میلیون و سیصد هزار تومان	۲۰ سال	۴۴	۶۲
۴ وعده در ماه	۳ وعده در ماه	۳ نفر	همسر: نگهبان ساختمان	۶۰۰ هزار تومان	۲ سال	۳۰	۶۳
۲ وعده در ماه	۳ وعده در ماه	۵ نفر	همسر: کارگر فصلی	۵۰۰ هزار تومان	۷ ماه	۴۱	۶۴
۳ وعده در ماه	۲ وعده در ماه	۶ نفر	پدر: دستفروش	۶۰۰ هزار تومان	۷ سال	۱۹	۶۵
میوه نمی‌خورند	گوشت نمی‌خورند	۴ نفر	کارگر: نظافت خانگی	۲۰۰ هزار تومان	۶ سال	۳۳	۶۶
۴ وعده در ماه	۴ وعده در ماه	۳ نفر	همسر: کارگر ساختمان	۸۰۰ هزار تومان	۴ ماه	۱۸	۶۷
۲ وعده در ماه	۱ وعده در ماه	۵ نفر	کارگر خیاطی	۴۰۰ هزار تومان	۹ سال	۳۸	۶۸
۵ وعده در ماه	۳ وعده در ماه	۵ نفر	همسر: کارگر فصلی	یک میلیون تومان	۵ سال	۲۸	۶۹
۴ وعده در ماه	۲ وعده در ماه	۴ نفر	زن و شوهر:	۸۰۰ هزار تومان	۱۵ سال		۷۰

میزان مصرف میوه	میزان مصرف پروتئین حیوانی	تعداد اعضای خانوار	تعداد افراد شاغل در خانوار	میزان درآمد ماهانه‌ی خانوار	سال‌های اقامت در ایران	سن	مصاحبه‌شونده
			خشت‌زنی			۳۳	
۵ وعده در ماه	۳ وعده در ماه	۳ نفر	خواهر و دوبرادر : کارگر	یک میلیون و پانصد هزار تومان	۲۸ سال	۲۸	۷۱
۶ وعده در ماه	۵ وعده در ماه	۴ نفر	دوبرادر: کارگر	یک میلیون و سیصد هزار تومان	۲۷ سال	۳۰	۷۲
۸ وعده در ماه	۴ وعده در ماه	۷ نفر	تمام اعضای خانوار: کارگر و فروشنده	۳ میلیون تومان	۱۷ سال	۲۳	۷۳
۴ وعده در ماه	۴ وعده در ماه	۳ نفر	تمام اعضا خانوار: کارگر	۸۰۰ هزار تومان	۱۵ سال	۶۰	۷۴
۴ وعده در ماه	۱ وعده در ماه	۴ نفر	زن و شوهر: خشت‌زنی	۸۰۰ هزار تومان	۶ سال	۲۵	۷۵
۳ وعده در ماه	۳ وعده در ماه	۵ نفر	پسر: کارگر همسر: دستفروش	۹۵۰ هزار تومان	۳۰ سال	۵۲	۷۶
۲ وعده در ماه	۱ وعده در ماه	۱۰ نفر	شوهر: کارگر زن: کارگر جوراب بافی	یک میلیون تومان	۶ سال	۵۰	۷۷
۲ وعده در ماه	۳ وعده در ماه	۴ نفر	همسر: کارگر ساختمان	۸۰۰ هزار تومان	۳ سال	۲۳	۷۸
۱ وعده در ماه	۱ وعده در ماه	۷ نفر	پدر: کارگر	۷۰۰ هزار تومان	۶ سال	۲۱	۷۹

میزان مصرف میوه	میزان مصرف پروتئین حیوانی	تعداد اعضای خانوار	تعداد افراد شاغل در خانوار	میزان درآمد ماهانه خانوار	سال‌های اقامت در ایران	سن	مصاحبه‌شونده
			ساختمان				
۳ وعده در ماه	۲ وعده در ماه	۵ نفر	پدر: کارگر	۸۰۰ هزار تومان	۴ سال	۱۹	۸۰
۴ وعده در ماه	۳ وعده در ماه	۵ نفر	شوهر: کارگر کوره زن: بسته بندی میوه	۸۰۰ هزار تومان	۱۷ سال	۴۵	۸۱
۳ وعده در ماه	۳ وعده در ماه	۴ نفر	همسر: کارگر فصلی	۶۰ هزار تومان	۳۰ سال	۴۸	۸۲
۲ وعده در ماه	۳ وعده در ماه	۶ نفر	دو پسر: کارگر	۸۰ هزار تومان	۱۳ سال	۵۰	۸۳
۴ وعده در ماه	۳ وعده در ماه	۳ نفر	همسر: کارگر	۵۰ هزار تومان	۸ سال	۲۶	۸۴
میوه نمی‌خورند	۲ وعده در ماه	۵ نفر	همسر: دستفروش	۴۰ هزار تومان	۱۵ سال	۳۰	۸۵
۲ وعده در ماه	گوشت نمی‌خورند	۶ نفر	دو کودک کارگر	۳۰ هزار تومان	۱۲ سال	۳۹	۸۶
۴ وعده در ماه	۲ وعده در ماه	۵ نفر	پسر: کارگر ساختمان	۷۰ هزار تومان	۳۰ سال	۶۰	۸۷
میوه نمی‌خورند	گوشت نمی‌خورند	۶ نفر	تمام اعضا خانوار : بیکار	•	۱۱ سال	۳۵	۸۸
۶ وعده در ماه	۳ وعده در ماه	۵ نفر	دو پسر: کارگر	۸۰ هزار تومان	۳۰ سال		۸۹

میزان مصرف میوه	میزان مصرف پروتئین حیوانی	تعداد اعضای خانوار	تعداد افراد شاغل در خانوار	میزان درآمد ماهانه خانوار	سالهای اقامت در ایران	سن	مصاحبه‌شونده
						۵۵	
۲ وعده در ماه	۲ وعده در ماه	۵ نفر	همسر: کارگر	۵۰ هزار تومان	۱۰ سال	۴۱	۹۰